

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

توسّل (۷)

وهابیت و توسل

عنوان و نام بدیدآور: توسل [کتاب] / هیات تحریریه موسسه در راه حق.

مشخصات نشر: قم: موسسه در راه حق، ۱۳۹۸ -

مشخصات ظاهری: ۳۱ ص.

شابک: دوره ۳-۵۰-۵۵۱۵-۶۰۰-۹۷۸؛ ج ۱-۵-۲۷-۵۵۱۵-۶۰۰-۹۷۸؛ ج ۲-۴-۲۴-۵۵۱۵-۶۰۰-۹۷۸

ج ۳-۸-۴۲-۵۵۱۵-۶۰۰-۹۷۸؛ ج ۴-۵-۴۳-۵۵۱۵-۶۰۰-۹۷۸؛ ج ۵-۲-۴۴-۵۵۱۵-۶۰۰-۹۷۸

ج ۶-۹-۴۵-۵۵۱۵-۶۰۰-۹۷۸؛ ج ۷-۶-۴۶-۵۵۱۵-۶۰۰-۹۷۸؛ ج ۸-۳-۴۷-۵۵۱۵-۶۰۰-۹۷۸

ج ۹-۰-۴۸-۵۵۱۵-۶۰۰-۹۷۸؛ ج ۱۰-۷-۴۹-۵۵۱۵-۶۰۰-۹۷۸

وضعیت فهرست نویسی: فیبای مختصر

مندرجات ۱. توسل چیست؟ و چرا؟- ج ۲. توسل در قرآن- ج ۳. پیامبر ﷺ و اهل بیت علیهم السلام-

ج ۴. توسل صحیح- ج ۵. راهها و کیفیت توسل- ج ۶. اهل سنت و توسل- ج ۷. وهابیت و

توسل- ج ۸. توسل، بررسی شبهات- ج ۹. آثار توسل- ج ۱۰. توسل در بیان و سیره علما

موضوع : توسل

شناسه افزوده : موسسه در راه حق، هیات تحریریه

رده بندی کنگره : ۱۳۹۴ ت/۹/۶/۲۲۲۶- BP - رده بندی دیویی: ۲۹۷/۴۶۸- شماره کتابشناسی ملی: ۳۸۸۱۳۷۳

نام جزوه: وهابیت و توسل (توسل شماره ۷)

نویسنده: هیات تحریریه موسسه در راه حق

نوبت چاپ: اول / ۱۳۹۸ - شمارگان: ۲۰۰۰

شابک (توسل شماره ۷): ۶-۶-۴۶-۵۵۱۵-۶۰۰-۹۷۸

شابک دوره: ۳-۵۰-۵۵۱۵-۶۰۰-۹۷۸

چاپخانه: سلمان فارسی - مشخصات ظاهری: ۳۱ صفحه

نشانی: قم، خیابان آیت الله مرعشی نجفی (ارم) کوچه ۲۰ - پلاک ۱۰

تلفن: ۲-۳۷۷۴۳۲۲۱ (۰۲۵) - [www.darrahehaq.com](http://www.darrahehaq.com)

سامانه پیامکی پاسخ به سؤالات مذهبی: ۱۰۰۰۲۲۲۳۳۳

این جزوه رایگان است. لطفاً پس از مطالعه در اختیار دیگران قرار دهید تا از آن

بهره‌مند شوند.

## فهرست مطالب

<u>صفحه</u>	<u>عنوان</u>
۱.....	وهابیت و توسل
۵.....	توسل؛ توحید یا شرک
۷.....	مصادیق شرک در عبادت از دیدگاه ابن تیمیه
۱۲.....	عبادت از دیدگاه قرآن
۱۷.....	تفویض امور به خدای متعال، توحید افعالی
۲۱.....	نمونه‌های کاربردی از اختلاف برداشت از شرک

توسل (۷) / ب

## سخن ناشر

با یاری خدای متعال و عنایت اولیای او توانستیم بار دیگر در خدمت فرهنگ نورانی اهل بیت نبوت (علیهم السلام) باشیم. امیدواریم این بار نیز با همکاری شما تجربه موفق گذشته را تکرار کنیم. جزوات مفید و مختصر را در اختیار علاقمندان قرار دهیم و در ارتقاء سطح عقیدتی جامعه ولایی تشیع قدمی کوچک برداریم.

در این روزگار پر سر و صدا آنچه خواهد ماند محتوای متکی بر عقاید حقه و مستند به منابع صحیحی است که بتوان در روز حساب از آن دفاع کرد و دیگر سر و صداها به تعبیر اهل روزگار

ج / وهابیت و توسل

مجازی و خیالی است، هرچند در روز واپسین باید به صورت حقیقی پاسخگو باشند. امیدواریم همه با درک شرایط به استحکام بنیان‌های عقیدتی همت بگماریم.

موسسه در راه حق

## وهابیت و توسّل

عقیده وهابیون درباره توسّل به قدری روشن و معروف است که هرکس سفری به حجاز داشته باشد، در آن کشور (به ویژه در مدینه منوره) برخورد تند و توهین آمیز این گروه را با کسانی که به پیامبر ﷺ و اولیای الهی متوسّل می شوند، می بیند. چنانچه کسی کنار قبر پیامبر ﷺ، آن حضرت را مورد خطاب قرار دهد و از آن حضرت بخواهد نزد خدا او را شفاعت کند و یا حاجت مادی و معنوی اش را از خداوند طلب نماید، در این صورت با توهین مأموران و گروه های به اصطلاح امر به معروف و نهی از منکر عربستان مواجه می گردد و با چماق شرک از آنجا رانده می شود.

خطبای آنان نیز در خطبه‌های نماز جمعه و غیر آن، پیوسته این نکته را تکرار می‌کنند که توسّل به رسول خدا ﷺ و اولیای الهی شرک است و هر کس به خدا شرک ورزد، بهشت بر او حرام است. علاوه بر این، هر سال ده‌ها عنوان کتاب به زبان‌های مختلف دنیا منتشر می‌کنند که در آنها این مطلب تکراری منعکس است.

شاخصه‌ی مذهب وهابیت، تحریم توسّل است. این نظریه را محمد بن عبدالوهاب بنیان‌گذار فرقه وهابیت در عربستان به گونه‌ای واضح در کتاب خود آورده است. او به صراحت می‌گوید: اگر کسی در تمام شب و روز خدا را عبادت کند، آن‌گاه نزد قبر پیامبر ﷺ و یا ولی خدا حاجتی بطلبد، در واقع



توسل (۷) / ۳

دو معبود برای خود برگزیده و گواهی نداده است که  
معبودی جز خدای یگانه نیست

همچنین به نظر وی مسلمان واقعی کسی است  
که نه تنها خود به اولیای الهی توسل نجوید، بلکه باید  
از چنین افرادی براءت جوید و آنان را کافر بدانند.  
وی می نویسد: اسلام کسی پذیرفته نیست، مگر آنکه  
از کسانی که به واسطه صالحان به خدا تقرّب  
می جویند، بیزاری جسته و آنان را کافر بشمارد؛ از  
این رو وی ریختن خون این افراد را مباح می شمارد و  
به دروغ می گوید: همه مذاهب اجماع دارند بر این که  
هرکس بین خود و خداوند واسطه ای قرار دهد، کافر  
مرتد است، مال و خونس حلال است.

نکته‌ی سؤال برانگیز این است که با وجود اعتقاد عموم مسلمانان به درستی توسل به پاکان، از جمله رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و اهل بیت ایشان - برخلاف سخن عامّ محمد بن عبدالوهاب - تنها خط تکفیر متوسلان به اهل بیت عليهم السلام را در دستور کار هیأت افتای سعودی قرار گرفته و آنان فقط شیعیان را مورد هجمه قرار داده‌اند.

بعضی از مفتیان سعودی در حالی که ازدواج با زنان اهل کتاب را مجاز می‌دانند، ازدواج با شیعیان را مجاز نمی‌دانند؛ زیرا شیعه اهل بیت را می‌خواند و به آنان استغاثه می‌کند و این بزرگ‌ترین شرک در نزد

توسل (۷) / ۵

آنان است.<sup>۱</sup> این در حالی است که مسیحیان رسماً قائل به شرک و تثلیث، یعنی خدایان سه‌گانه هستند. در پاسخ استفتای دیگری نوشته‌اند: اگر آن‌گونه که گفته می‌شود، آنان علی و حسن و حسین علیهم‌السلام را بخوانند (مثلاً یا علی و یا حسن و یا حسین بگویند) مشرکند و از امت و آیین اسلام خارج می‌شوند و ازدواج با آنان حرام است. و ذبیحه‌ی آنان نیز حلال نیست.

### **توسل؛ توحید یا شرک**

برخی به سبب برداشت‌های نادرست از آموزه‌های دینی، عموم مسلمانان را متهم به شرک‌ورزی کرده‌اند؛

---

۱. محمد بن طاهر، التحریر و التنویر، ص ۲۹.

از این رو اگرچه تعیین مرز توحید و شرک واضح است ولی لازم است پیرامون آن مطالبی ارائه شود. شرک در اصطلاح کلامی و فقهی هم‌تا قراردادن برای خدای متعال است. شرک ممکن است در صفات، افعال، یا ذات خدا باشد، ولی آنچه بیش از همه در قرآن نفی شده شرک در عبادت است؛ یعنی بت و مجسمه پرستیدن و به خاک افتادن در مقابل غیر خدا<sup>۱</sup>.

---

۱. عبدالله جوادی آملی، توحید در قرآن، ص ۵۷۸ - ۵۹۵.

توسل (۷) / ۷

## مصادیق شرک در عبادت از دیدگاه ابن تیمیه

شرک در نظر ابن تیمیه که وهابی‌ها به سخن او اعتنا دارند معنا و مثال‌های دیگری بیرون از دایره‌ی قرآن مجید دارد.

## الف) توسل به اولیای الهی

ابن تیمیه توسل به اولیای الهی را موجب خروج از عبودیت و رفتن به سوی شرک می‌داند. به نظر او توسل به مرده، اگرچه پیامبر اسلام ﷺ باشد، شرک است؛ زیرا او مرده و نابود شده است، چون قرآن می‌فرماید: ﴿إِنَّكَ مَيِّتٌ وَإِنَّهُمْ مَيِّتُونَ﴾؛ «ای پیامبر! می‌میری و آنان هم خواهند مرد»!

استغاثه به اموات و گفتن کلمه‌هایی مانند:  
«یاسیدی»، «یا رسولَ الله انصُرنی»، «یا علیّ بنِ  
أبیطالِب اغثنی» و مانند آنها شرک است.

این سخن در حالی است که معتقدان به توسل  
نیز حاجت خواستن از غیر خدا و مستقل پنداشتن  
واسطه را شرک می‌دانند، ولی اگر طلب حاجت فقط  
از خدا باشد، لیکن از راه واسطه‌هایی که می‌توانند به  
اذن خدا ما را یاری کنند، نه تنها منافاتی با توحید  
ندارد بلکه عین توحید است زیرا واسطه قرار دادن  
این انوار الهی به فرمان خداوند متعال بوده است و  
عقل و نقل به جواز آن حکم می‌کند. استدلال به  
آیه‌ای که به موضوع شرک ارتباطی ندارد، در برابر آن  
چشم بستن بر روی آیات توسل که گذشت چه

توسل (۷) / ۹

وجهی دارد؟. این مغالطه و بی دلیل سخن گفتن و گوش شنوا برای شنیدن دلیل نداشتن، روش ابن تیمیه و وهابیان است.

### ب) زیارت و تبرک جستن به قبور

ابن تیمیه بر این باور است که زیارت رسول گرامی اسلام ﷺ و وصی او موجب خروج از عبودیت و ورود در دایره‌ی شرک است. او تبرک جستن به قبر رسول اکرم ﷺ را خروج از عبودیت و ورود به دایره شرک می‌داند و این گونه اظهار می‌دارد که اگر مردی بخواهد در کنار قبر یکی از پیامبران یا برخی از صالحان نماز بگذارد و قصد تبرک جستن از آن بقعه را داشته باشد، این عمل دشمنی با خدا و مخالف امر

او، بلکه بدعت در دین است که خدا به آن اجازه نداده است.

از نظر وهابی‌ها زیارت رفتن و شفاعت طلبیدن، موجب خروج از توحید در عبادت و ورود به جرگه‌ی مشرکان می‌شود. آنگاه مال و اولاد چنین فردی مباح می‌شود، دانسته یا نادانسته، با این قصد یا با قصد دیگر. در هر صورت این اعمال به تکذیب رسالت می‌انجامد!

در پاسخ وی باید گفت: چرا باید «مقام ابراهیم»، به عنوان اینکه جای پای حضرت ابراهیم عليه السلام روی آن است و زمان کوتاهی مورد استفاده ایشان بوده، همیشه محفوظ بماند و نماز



توسل (۷) / ۱۱

طواف نزد آن به جای آورده شود، اما مدفن کسانی  
مانند حضرت ابراهیم عَلَيْهِ السَّلَامُ و رسول گرامی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ  
شرافتی پیدا نکند؟!

قرآن برای پیراهن متبرک حضرت یوسف عَلَيْهِ السَّلَامُ  
اثر معجزه آسا بیان می کند:

«وقتی مزده رسان آمد، آن پیراهن را بر صورت  
او انداخت و او بینا گشت»<sup>۱</sup>.

آمدن نمونه‌های احترام به مکان‌ها و اشیاء در  
قرآن نشان می دهد که این برداشت، خود شرک آلود  
و ایجاد بدعت در دین و انکار قرآن است.

---

۱. «فَلَمَّا أَنْ جَاءَ الْبَشِيرُ أَلْقَاهُ عَلَىٰ وَجْهِهِ فَارْتَدَّدَ بَصِيرًا»؛ سوره

یوسف، آیه ۹۶.

## عبادت از دیدگاه قرآن

در برابر این افراد و افکار خود محور، ما که می‌خواهیم از قرآن و عترت پیاموزیم و نه چیزی به آن بیفزاییم و نه چیزی از آن بکاهیم، به قرآن مراجعه می‌کنیم.

## عبادت با اعتقاد به کمال معبود

قرآن کریم اعتقاد به الوهیت، ربوبیت، کمال معبود و خالقیت را لازمه عبادت می‌داند. معبود باید از هر نقص و عیبی پیراسته باشد و در آن صورت، شایسته‌ی پرستش است، و آن کسی جز خدای متعال نیست:

توسل (۷) / ۱۳

« این به خاطر آن است که خداوند حق است و آنچه را غیر از او می‌خوانند او باطل است و خداوند بلند مقام و بزرگ است»<sup>۱</sup>.

تأکید این آیه بر کلمه‌ی «حق و باطل» است و می‌فرماید باید خدا را پرستید که ذات بلند مرتبه، نامتناهی، ثابت و استوار دارد و جز او نباید کسی را پرستش نمود؛ زیرا هر که جز او فاقد کبریاء و هستی ذاتی و ثابت است.

از جمله‌های «بِأَنَّ اللَّهَ هُوَ الْحَقُّ» و «وَأَنَّ مَا يَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ هُوَ الْبَاطِلُ» انحصاراً این معنا استفاده می‌شود که خدا حق است و باطل در او راه ندارد و

---

۱ . «ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ هُوَ الْحَقُّ وَأَنَّ مَا يَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ هُوَ الْبَاطِلُ وَأَنَّ اللَّهَ هُوَ الْعَلِيُّ الْكَبِيرُ»؛ سوره حج، آیه ۶۲.

خدایانی که مشرکان برای خود انتخاب کرده‌اند، باطل محض‌اند .

و یا در آیه‌ای دیگر این‌گونه آمده است:

«ای قوم من! خدا را پرستید؛ برای شما خدایی جز او نیست»<sup>۱</sup>.

از نگاه قرآن، عبادت، گفتار و رفتاری است که از اعتقاد به الوهیت معبود سرچشمه بگیرد و تا چنین اعتقادی درباره‌ی موجودی نباشد، خضوع و کرنش در برابر او عبادت و پرستش نخواهد بود. آیه‌ی زیر این حقیقت را بیان می‌کند.

---

۱ . ﴿يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ﴾؛ سوره اعراف،

توسل (۷) / ۱۵

در این آیه، دلیل آورده شده که خدایی جز او نیست:

«این است پروردگار شما، جز او معبودی نیست. اوست آفریننده تمام اشیا؛ پس او را پرستید»<sup>۱</sup>.

در این آیه عبادت از شئون خالق شمرده شده است. بنابراین، شرک در عبادت یعنی در کنار خدا یا به جای او پرستیدن، سررشته بندگی را به غیر خدا سپردن، روی نیاز به سوی غیر خدا داشتن.

آیت الله خوئی عبادت را چنین معنا می نماید:  
«عبادت در صورتی تحقق می پذیرد که در برابر فردی

---

۱. ﴿ذَلِكُمْ اللَّهُ رَبُّكُمْ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ﴾

فَاعْبُدُوهُ﴾؛ سوره انعام: آیه ۱۰۲.

به این عنوان و قید که پروردگاری است که باید پرستیده شود، خضوع شود»<sup>۱</sup>.

اگر هر خضوع و فروتنی و ابراز ارادتی شرک باشد، نباید فروتنان و اهل تواضع تحسین شوند. خداوند در قرآن از دوستی خود با مؤمنانی یاد کرده که در برابر مؤمنان فروتن و متواضع‌اند.

«خداوند جمعیتی را می‌آورد که آنان را دوست و آنان او را دوست دارند؛ در برابر مؤمنان نرم و فروتن و در برابر کافران سرسخت و نیرومندند»<sup>۲</sup>.

۱. «الْعِبَادَةُ إِنَّمَا تَتَحَقَّقُ بِالْخُضُوعِ لِشَيْءٍ عَلَى أَنَّهُ رَبٌّ يُعْبَدُ»؛

خویی سید ابوالقاسم، البیان فی تفسیر القرآن، ص ۵۰۳.

۲. «فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهُ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ أَذِلَّةٍ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ

أَعْرَضَ عَلَى الْكَافِرِينَ»؛ سوره‌ی مائده، آیه ۴۴

توسل (۷) / ۱۷

بنابراین، عبودیت نهایت خضوع همراه با قید اعتقاد به الوهیت و ربوبیت است. ربّ بودن خدا یعنی اینکه سرنوشت هستی ما، از حیات و ممات گرفته تا مغفرت و آمرزش، در دست خداست. اگر کسی معتقد باشد که امور انسان به‌طور مستقل در دست دیگری جز خداست و در برابر او خضوع و کرنش کند، او را ربّ خویش قرار داده و مشرک شده است. نیز اگر او را تعظیم کند، او را عبادت و پرستش کرده است؛ زیرا تعظیم او با اعتقاد به ربوبیت او همراه بوده است.

### **تفویض امور به خدای متعال، توحید افعالی**

اگر کسی معتقد باشد که خداوند کارها را (از قبیل زنده کردن، میراندن، روزی دادن و بخشودن گناهان)

به موجوداتی دیگر واگذار کرده و آنان به طور مستقل، اختیار چنین کارهایی را دارند، و با این اعتقاد به آنها تعظیم کند و عشق بورزد و از آنها درخواست کند، غیر خدا را عبادت کرده و گرفتار شرک شده است:

«برخی مردم برای خدا مثل و شریکی قرار

داده‌اند و آنها را چون خدا دوست می‌دارند»<sup>۱</sup>

علامه طبرسی رحمته الله در تفسیر ﴿كحِبِّ اللَّهِ﴾

می‌گوید: بت‌های خود را مانند خدا دوست

می‌داشتند؛ به این معنا که محبت آنها نسبت به خدا

و بت‌ها مساوی بود.<sup>۲</sup>

---

۱. ﴿وَمِنَ النَّاسِ مَن يَتَّخِذُ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَنْدَادًا يُحِبُّونَهُمْ كَحُبِّ اللَّهِ﴾

اللَّهُ؛ سوره‌ی بقره، آیه ۱۶۵.

۲. طبرسی، مجمع‌البیان، ج ۱، ص ۴۶۲.



علامه طباطبایی رحمته اللہ علیہ در این باره می نویسد:

عمومیت آیه شامل هر (دستور دهنده و) مُطاعی می شود؛ چون اطاعت از غیر از خدا به نحو استقلال ولو آنان که خدا به اطاعت آنان امر کرده، شرک است.<sup>۱</sup> از این آیه استفاده می شود که اگر کسی برای خدا «نَدَّ (مثل)» قرار ندهد و دوستی و تعظیم او در برابر دیگران همانند تعظیم او در برابر خدا نباشد، مشرک نیست و آنچه مذمّت شده، حبّ و دوستی مستقل نسبت به غیر خداست.

در نتیجه، آنچه مصداق شرک و پرستش می شود، این است که انسان برای کسی غیر از خدای متعال، الوهیت، ربوبیت و خالقیت مستقل تصور کند

، افعال الهی را از او جدا بدانند و بگویند این کارها به موجوداتی مانند فرشتگان و اولیای خدا واگذار شده و آنها بالذات دارای قدرت تأثیرند. قرآن این باور را چنین رد کرده است:

«بگو من مالک سود و زیان خود نیستم، مگر آنچه را خدا بخواهد»<sup>۱</sup>.

اما اگر کسی با این باور که افرادی که از خود چیزی ندارند و هرچه بخواهند از خدا می‌خواهند، آنان را عظیم بدانند و به آنها توسل جویند، این عبادت غیر خدا نیست. به عنوان مثال خداوند در قرآن در سوره یوسف آیه ۱۰۰ می‌فرماید: حضرت یعقوب و

---

۱. ﴿قُلْ لَا أَمْلِكُ لِنَفْسِي نَفْعًا وَلَا ضَرًّا إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ﴾ سوره

توسل (۷) / ۲۱

مادر حضرت یوسف و دیگر برادران او در اولین ملاقات با حضرت یوسف در مقابل او سجده کردند. بر مبنای وهابیت این عمل شرک است در حالی که فعل پیامبر الهی است و هیچگونه شبهه شرک در آن نیست.

### **نمونه‌های کاربردی از اختلاف برداشت از شرک**

برخی مسائل فقهی را وهابیت در کشمکش مفهوم عبادت وارد مباحث اعتقادی کرده است در حالی که احکام آنها از کتاب و سنت استخراج می‌شود و نقد آنها و مصداق شرک دانستن این افعال بدون توجه به تعریف عبادت و شرک غلط است.

برخی از این مسائل عبارتند از:

۱. زیارت قبور

۲. مسافرت برای زیارت قبر پیامبر

اسلام ﷺ

۳. ساختن آرامگاه و مقبره بر روی قبور

۴. ساختن مسجد بر روی قبور و نماز خواندن

در آن

۵. اقسام توسل به انبیاء و اولیا و صالحین

۶. بهره‌مندی اموات از اعمال زنده‌ها و نذر

نمودن برای آنها

۷. تبرک به آثار انبیاء و صالحین

۸. برگزاری جشن میلاد پیامبر ﷺ

۹. گریه کردن بر اموات

۱۰. قسم دادن خداوند به حق اولیای الهی

۱۱. قسم خوردن به غیر نام خداوند

۱۲. نام‌گذاری فرزندان با پیشوند «عبد» به نام غیر خداوند.<sup>۱</sup>

این عناوین و موارد مشابه، در فقه مذاهب مورد استنباط قرار می‌گیرد و فقهای مذاهب انطباق احکام فقهی با عقائد را سرلوحه کار خود قرار داده‌اند. اگر برخی از موارد عبادی یا غیر عبادی با عقاید صحیح و احکام بدیهی منافاتی وجود داشته باشد، تذکر داده می‌شود. سجده به طرف قبر اولیای دین به قصد شکر به درگاه خدای متعال مانعی ندارد، یا این‌که قسم خوردن در دعاوی شرعیه فقط به نام الهی نافذ و دارای اثر شرعی است، یا اینکه نذر واجب

---

۱. در بخش‌های آینده به بخشی از مهمترین این مسائل پرداخته خواهد شد.

منوط به عبارت خاص «برای خدا به عهده‌ی من است که کاری را انجام دهم یا ترک کنم» و...  
گاهی اوقات هم برای جلوگیری از سوء برداشت حکم به صورت عنوان ثانوی و برای موارد خاص اعلام می‌شود، فقهای شیعه از شیعیان درخواست می‌کنند که برای جلوگیری از اختلاف در نمازهای جماعت مسجد الحرام و ... شرکت کنند  
اینها مسائل فقهی است که حکم حلال و حرام آنها بر عهده فقهاست، و کسی به خاطر اینها کافر یا مشرک نمی‌شود تا دستاویزی برای تشتت بین مسلمانان شود. وحدت مسلمانان در اصول مشترک اعتقادی هیچ‌گاه با احکام جداگانه‌ی فقهی مذاهب

توسل (۷) / ۲۵

خدشه‌دار نمی‌شود و کسی به خاطر احکام فقهی  
مذهبش از اسلام خارج نمی‌شود.